



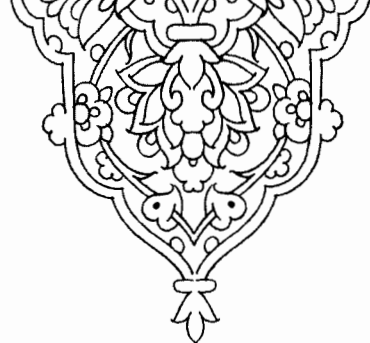
نقد باستان‌شناسی

نقد و بررسی واقعیت‌های موجود در باستان‌شناسی

نویسنده: رضا آزادی‌جو



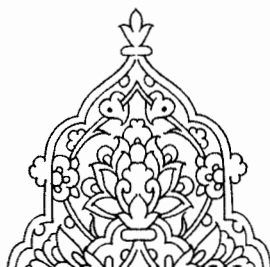
پارسینه



به نام خداوند پاکسرما و مهربانرما



مازنیه
یادآور پاکسی هست



نقد باستان شناسی

نقد و بررسی واقعیت‌های موجود در باستان شناسی

رضا آزادی جو





پازینه

میدان انقلاب، اول خیابان کارگر جنوبی، بن بست گشتاسب، شماره ۴ طبقه همکف

تلفکس: ۶۶۹۶۱۵۲۲ و ۶۶۹۷۵۲۴۶-۷ تلفن همراه: ۰۹۱۲-۱۰۵۴۰۹۸

www.pazinehpress.ir

چاپ اول : ۱۴۰۰

نام کتاب : نقد باستان شناسی (نقد و بررسی واقعیت‌های موجود در باستان شناسی)

ناشر: پازینه

تالیف: رضا آزادی جو

لیتوگرافی: مهرسان نقش بهار

چاپ: نگارش امروز

صحافی: احسان

شمارگان : ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۰-۱۷۳-۰

حق چاپ محفوظ است

سرشناسه : آزادی‌جو، رضا، ۱۳۶۹

عنوان و نام پدیدآور : نقد باستان‌شناسی: نقد و بررسی واقعیت‌های موجود در باستان‌شناسی/ رضا آزادی‌جو.

مشخصات نشر : تهران: پازینه، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری : ۲۰۸ ص؛ ۵/۲۱ ۵/۱۴X س.م.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۰-۱۷۳-۰

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۰۸-۲۰۶؛ همچنین کتابنامه بصورت زیرنویس.

موضوع : باستان‌شناسی

موضوع : Archaeology

موضوع : باستان‌شناسی -- ایران

موضوع : Archaeology -- Iran

رده بندی کنگره : CC۱۷۳

رده بندی دیویی : ۱/۹۳۰

شماره کتابشناسی ملی : ۷۴۹۹۹۸۹

وضعیت رکورد : فیپا

قیمت: ۷۵۰۰۰۰ ریال

به نام خدایی، که شک را، به جان آموخت.

۷.....	مقدمه:
۱۰.....	فرهنگ نقد در باستان شناسی
۱۰.....	چکیده:
۱۱.....	مقدمه:
۱۳.....	تفکر انتقادی:
۱۴.....	تعریف نقد:
۱۶.....	تعریف منتقد:
۱۷.....	دیدگاه منتقد:
۱۸.....	تعریف نقدپذیری:
۱۹.....	توالی نقد پذیری:
۲۰.....	تأثیر منفی روحیه نقد و انتقادپذیری در جامعه باستان شناسی:
۲۱.....	انواع نقد در باستان شناسی:
۲۲.....	شیوه‌های انتقاد:
۲۳.....	ترس از انتقاد:
۲۳.....	پرهیز از نقد متقابل:
۲۴.....	اصولی که باید در نقد رعایت شود:
۲۵.....	انگیزه‌های انتقاد:
۲۵.....	دلایل رشد نیافتگی فرهنگ نقد در جامعه باستان شناسی ایران:
۲۶.....	دلایل وجودیت نقد و نقادی در باستان شناسی ایران:
۲۷.....	نتیجه گیری:
۳۰.....	واقعیت یا حقیقت:

۳۰	چکیده:
۳۰	مقدمه:
۳۱	مبانی نظری: چستی واقعیت و حقیقت
۳۳	تاریخ و حقیقت یا باستان شناسی و واقعیت:
۳۵	راهکارهای شناخت واقعیت از حقیقت:
۳۶	حس و احساس:
۳۹	جمع بندی و نتیجه گیری:
۴۱	مادی گرایی در باستان شناسی
۴۱	چکیده:
۴۲	مقدمه:
۴۳	بیان مسئله:
۴۳	الف. مادی گرایی:
۴۵	ب. غرض ورزی:
۴۶	پ. مالکیت:
۴۸	ت. توصیف، توضیح، تحلیل و تفسیر:
۴۹	ث. روش شناختی کاوش:
۵۳	ج. روشنگری یا مبهم گرایی:
۵۴	ح. اهمیت نظام آموزشی:
۵۴	جمع بندی:
۶۰	نگرش باستان شناسی، فضای آکادمیک و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی
۶۰	چکیده:
۶۱	مقدمه:

بیان مسئله:	۶۲
نتیجه گیری:	۶۹
توصیف، توضیح، تحلیل و تفسیر: چهار رکن اصلی پژوهش	۷۳
چکیده:	۷۳
مقدمه:	۷۴
مبانی نظری:	۷۵
۱. توصیف:	۷۹
۲. توضیح:	۸۰
۳. تحلیل:	۸۱
۴. تفسیر:	۸۱
نتیجه گیری:	۸۲
تخیل در باستان شناسی	۸۴
چکیده:	۸۴
مقدمه:	۸۵
هدف و ضرورت:	۸۶
سوالات:	۸۶
مبانی نظری:	۸۷
فرق تخیل و توهم:	۹۳
جمع بندی:	۱۰۱
باستان شناسی شغل نیست!	۱۰۲
چکیده:	۱۰۲
مقدمه:	۱۰۳

- ۱۰۳..... مبانی نظری پژوهش:
- ۱۰۴..... ایده‌های شغل در باستان شناسی:
- ۱۰۵..... اهداف کارکردی در باستان شناسی:
- ۱۰۷..... کارکرد پول در باستان شناسی:
- ۱۱۴..... نتیجه گیری:
- ۱۱۶..... باستان شناسی چیست؟ باستان شناس کیست؟
- ۱۱۶..... چکیده:
- ۱۱۷..... مقدمه:
- ۱۱۷..... مبانی نظری پژوهش:
- ۱۱۹..... باستان شناس کیست؟
- ۱۲۵..... جمع بندی:
- ۱۲۷..... انسان شناسی هنر در باستان شناسی:
- ۱۲۷..... چکیده:
- ۱۲۸..... مبانی نظری:
- ۱۲۸..... هنر انسان گذشته:
- ۱۳۰..... وجودیت هنر:
- ۱۳۱..... فردیت در هنر:
- ۱۳۳..... ادراک:
- ۱۳۴..... حقیقت و واقعیت:
- ۱۳۶..... دغدغه به عنوان شاخصه انسان:
- ۱۳۷..... ساخت‌های انسان:
- ۱۳۹..... روش شناسی باستان شناسان در مواجهت با هنر:

۱۴۲	مفهوم گرایی در پردازش هنر:.....
۱۴۶	نتیجه گیری:.....
۱۴۷	نقد و بررسی روش ترجمه در کتب باستان شناسی، مطالعه موردی کتاب: «نظریه‌ها در باستان شناسی امروز».....
۱۴۷	چکیده:.....
۱۴۸	مقدمه:.....
۱۴۹	مبانی نظری :.....
۱۵۱	از شروع تا پایان:.....
۱۶۰	نتیجه گیری.....
۱۶۳	ریشه یابی واژه‌ای "باستان شناسی".....
۱۶۳	چکیده:.....
۱۶۴	مقدمه:.....
۱۶۴	پیشینه:.....
۱۶۶	مبانی نظری پژوهش:.....
۱۷۰	نتیجه گیری:.....
۱۷۲	منابع فارسی:.....
۱۸۰	منابع غیر فارسی:.....

مقدمه:

رشته باستان‌شناسی باید دچار دگرگونی شود و این مستلزم از بین بردن تابوهای پیشین فکری، حذف توت‌های موجود در جامعه باستان‌شناسی و همچنین خلق ساختار فکری جدید است. در این کتاب همواره دغدغه‌هایی از نویسندگان نوشته شده است که اساساً در قالب تئوری و برای نخستین بار معرفی شده‌اند و نگارنده برخی از مفهوم‌سازی‌هایی که لازمه و ضرورت جوامع باستان‌شناسی است را به رشته تحریر درآورده است. دغدغه‌ی موجود در این کتاب همواره برای تبدیل وضع موجود به مطلوب تلاش می‌کند چه بسا که این دغدغه درونی نگارنده است. در این کتاب سعی شده است که اصل و اساسی‌ترین مفاهیم بنیادی در باستان‌شناسی تعریف بشود چه بسا که بسیاری از آن‌ها یا تا به امروز به جامعه معرفی نشده‌اند و یا اگر معرفی شده‌اند با توجه به عملکردهای غلط، در جامعه دچار خطا شده‌اند و البته مفاهیم درک درستی در جامعه پیدا نکرده‌اند. همچنین همواره سعی شده است که طرح مسئله شود و خواننده بتواند با خواندن این مسائل مهم، دچار دغدغه شود و این مسائل را در ادامه بیشتر استدلال کند. امید است که توانسته باشم در شناخت، نسبت به پدیده‌های درونی و بیرونی جمعی و همچنین فردی وجودی، در باستان‌شناسی تلاشی کرده باشم.

توصیه: لازمه خواندن این کتاب خالی کردن ذهن، از هر گونه پیش‌داوری است.

این کتاب را با تمام ارزش‌ها تقدیم میکنم
به تو...

بله، به شما که در حال حاضر خواننده این کتاب و در آینده، نمود فکری آن هستید.

فرهنگ نقد در باستان شناسی

چکیده:

اساس فرهنگ نقد، تفکر آن است. تفکر انتقادی یک فرآیند پیچیده تدریجی است که انسان به واسطه کیفیت زیستی خود به مرحله شناخت شعوری آن می‌رسد. در این پژوهش نگارنده می‌کوشد تا اصول و مبانی اولیه فرهنگ نقد، و هر آن چه که تابع نقد است را به جامعه باستان شناسی معرفی کند. در این پژوهش به دو سوال اساسی پاسخ داده می‌شود: ۱. تعریف فرهنگ نقد در جامعه باستان شناسی چیست؟ و تحت چه شرایطی این فرهنگ به شعور می‌رسد؟ ۲. تابع فرهنگی نقد در باستان شناسی تحت تاثیر چه متغیرهایی می‌باشد؟ سه محور اصلی فرهنگ، نقد، منتقد و نقد پذیری است. نقد به معنی تمایز ویژگی‌های پارادوکسیکال^۱ یک اثر است و هدف آن ارزیابی مسائل، پیرو آگاه کردن جامعه با دغدغه وضع موجود به وضع مطلوب در راستای اهداف جامعه می‌باشد. منتقد، شاخص شخصیتی است که با ابزار نقد مسائل بنیادی هر اثر و کنشی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. در جوامعی که فرهنگ نقد وجود ندارد یعنی کوتاه فکری و تعصب وجود دارد که نتیجه آن پسرفت و پیشرفت نزولی است. به طوری که بزرگترین آسیب‌های انسانی و اجتماعی در آن جامعه پدیدار می‌شود و انسان‌ها فاقد محتوای فرهنگی-زیستی می‌شوند تا حدی که جامعه به چندگانگی ارزشی و ابتذال کشیده می‌شود. یک اثر زمانی که نقد می‌شود ارزش بیشتری پیدا می‌کند و نقد یک اثر، صرف به معنای از بین بردن آن نیست؛ و اما

هست. نیست، به این معنا که اگر بعد از نقد، اثر اعتبار خود را حفظ کرد این نشان دهنده اصل و حکم بودن اثر می‌باشد و اگر اثر اعتبار خود را با نقد از دست بدهد با نبود خود قدمی، در جهت پیشرفت و عدم تزلزل فکری برداشته است. و اگر هست، نقد نیست. روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و بر اساس هدف از نوع کاربردی_توسعه‌ای و کیفی است.

مقدمه:

نگرش باستان شناسی در حال حاضر برای پیشرفت، نیاز ضروری به فرهنگ نقد دارد چه بسا که عدم وجود نقد در باستان شناسی آن را ساکن و دچار تزلزل و چندگانگی نظری کرده است. در دیدگاه نخست به نظر می‌رسد با نقد کردن، جامعه دچار تشنج فکری می‌شود و درست است، چه بسا تا زمانی که جامعه باستان شناسی دچار این "شک فکری" نشود همچنان ساکن می‌ماند و درست از نادرست جدا نمی‌شود. از نظر نگارنده، کنش (عملی یا نظری) وقتی ارزش پیدا می‌کند که یک معیار سنجش داشته باشد. با توجه به اینکه بسیاری از کنش‌ها معیار سنجشی ندارند و نمی‌توانند مورد آزمون خطا قرار بگیرند به همین منظور خود کنش را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادن، می‌تواند روش مناسبی باشد و نقد می‌تواند در نقش فیلتر به عنوان این معیار سنجشی برای تمام کنش‌ها مورد استفاده قرار گیرد. تجزیه و تحلیل اثر می‌بایست تمام جوانب اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی را دارا باشد و با دیدگاهی متفاوتی از صاحب اثر صورت پذیرد.

اگر اثر از تمام دیدگاه‌های مختلف و از هر منظر بتواند از ذات خود، بدون "مدعی" دفاع کند آن اثر می‌تواند حکم اصل را داشته باشد و تا زمانی که اثری تجزیه و تحلیل نشود همچنان امکان پوچی و عدم سنخیت آن وجود دارد. پس باید تداوما هر کنش‌ای مورد نقد و بررسی قرار بگیرد تا ارزش آن مشخص شود. در این راستا نیاز اولیه نقد، به: شک کردن، پرسشگری برای فهم دقیق تر موضوع، جمع آوری اطلاعات از منابع مختلف، بررسی، مقایسه، ارزیابی، ارزش گذاری اطلاعات و انتخاب بهترین و صحیح ترین مفهوم از اصول تفکر نقادانه می‌باشد. هدف نقد آگاه کردن دیگران به عنوان، و در قالب مفهوم "وظیفه" برای هر عضوی از جامعه ضروری است، وظیفه‌ای که اجبار و از سر لطف، نیست و شخص با شناخت ذات نقد، این وظیفه را به خواستن و همچنین تبدیل کردن وضعیت موجود به مطلوب در می‌آورد. این وظیفه با تحلیل و بیان ایده‌ها و از بین بردن تعصبات و کنش‌های بی اساس و مغرضانه و پاره‌ای عقیده، صورت می‌گیرد. انسان به معنای حقیقی هیچگاه هیچ چیزی را بدون تحقیق و بررسی لازم، آن هم با دیدی باز و مشاهده همه جانبه و دوراندیشی نسبت به عاقبت آن_ آن را نباید بپذیرد.

ضرورت نقد در باستان شناسی:

باستان شناسی از جمله شاخه‌های علوم انسانی معرفی شده است و هیچ گونه متر و معیار به عنوان چهارچوب برای صاحب اثر و یا صاحب کنش قائل نشده است. وجودیت نقد در جامعه باستان شناسی ضروریست چه بسا که وجودیت آن یک اصل است و نبود آن جامعه را به ابتذال می‌کشاند. نقد در واقع قانون

نامشخصی است که یک چهار چوب را با توجه به ذات کنش و اثر نشان می‌دهد. چهار چوبی که مد نظر است در واقع خط قرمزهایی است که صاحب اثر به دلایل متعددی چه به صورت عمدی و چه سحوی از آن عبور کرده است. همانطور که زندگی جمعی در اجتماع نیازمند قوانین است، در باستان‌شناسی نیز این قوانین در قالب نقد، وضع و نشان داده می‌شوند. نقد باید به عنوان یک فرهنگ در جامعه شناخته شود. نگارنده جامعه باستان‌شناسی را مستمند نقد می‌بیند چه بسا که این مستمندی از نبود ثبات و آشوب در باستان‌شناسی شکل گرفته است و لذا لازم دانسته تا تعریف دقیق و مشخصی از فعل نقد و نقد‌پذیری به عنوان تئوری نقد در باستان‌شناسی را معرفی کرده تا شناخت جامعه از فعل نقد حاصل گردد. در این پژوهش نگارنده می‌کوشد تا اصول و مبانی اولیه نقد و هر آن چه که تابع نقد است را به جامعه معرفی کند زیرا شناخت نقد نیاز به آگاهی دارد و این آگاهی در قالب معرفی شکل اولیه می‌گیرد.

نکته: جامعه‌ای که در ظاهر رو به پیشرفت حرکت می‌کند و در آن فرهنگ نقد وجود ندارد مطمئناً رو به زوال حرکت می‌کند، زوالی که خود پیشرفت نزولی است - نه پیشرفت صعودی.

تفکر انتقادی:

یکی از مهمترین مهارت‌های زندگی، که انسان می‌تواند آن را کسب کند داشتن "تفکر نقادانه" است. تفکر انتقادی یک فرآیند پیچید تدریجی است که انسان به واسطه زیست خود به مرحله شناخت آن می‌رسد. به این معنا که انسان

در وحله اول باید به فردیت و با پشتوانه فردیت خود به جمعیت برسد. زمانی که انسان به فردیت نرسد و وارد جمعیت بشود دیگر تفکر انتقادی برای آن معنا و تعریفی ندارد. به فردیت رسیدن نیازمند شناخت خود از خود و شناخت خود از محیط می‌باشد. یکی از نتیجه‌های فردیت به جمعیت، هویت جمعی است و یا به تعریف دیگر می‌توان گفت هویت جمعی زمانی شکل می‌گیرد که هویت فردی وجود داشته باشد. جامعه باستان‌شناسی باید به شناخت جمعی برسد که در واقع برای آن یک ایدئولوژی^۲ محسوب می‌شود. تفکر انتقادی نه تنها برای منتقد بلکه برای تک تک اعضای یک جامعه ضروری است و برای منتقد یک شرط محسوب می‌شود، شرطی که لازمه نقد است.

نکته: نقد از زیست انسان سرچشمه می‌گیرد، زیست به معنای فرم زندگانی و هر آن گاه که این فرم به شعور برسد، تفکر نقادانه شکل می‌گیرد.

تعریف نقد:

نقد به معنی تمایز ویژگی‌های پارادوکسیکال یک عبارت، یک اثر، و یا یک کنش می‌باشد. این ویژگی‌ها با ابزار نقد تَشْخُص می‌گیرند و توضیح داده می‌شوند. اساساً نقد به معنی کاربرد آن می‌باشد و کاربرد آن هدف نقد است پس بهتر است تعریف نقد را در هدف آن بیابیم به این معنا که هدف نقد ارزیابی اثر می‌باشد، خواه این اثر عملی باشد و یا نظری. این ارزیابی است که می‌تواند در

اثر دو جبهه مختلف را پیدا کند. مانند: خوب و بد، سره و ناسره، درست یا نادرست.

نکته: گاهی ممکن است، اثر در یک جبهه مقابل یک اثر دیگر قرار بگیرد (اثری که به عنوان اصل و به معنای اثر پایه باشد).

یکی از شاخص ترین مسئله‌ای که می‌تواند با تعریف نقد در تناقض باشد محافظه کارانه بودن آن است. نقد نباید محافظه کارانه باشد به این معنا که نقاد نباید ترس این را داشته باشد که به شخص دوم و یا سومی بر بخورد و یا ناراحت شود زیرا این خصیصه‌ها با ذات نقد در تضاد است. البته این خصیصه محافظه کارانه یک مثال جزئی از کل می‌باشد که با تعریفی دیگر، تمام مفهوم هم ارز با آن در نقد جایی ندارد. در واقع باستان شناسی می‌تواند به هدفی هم معنی با نقد برسد چه بسا که این نگرش، هدفی به معنای کشف واقعیت با جدا کردن سره از ناسره و در پس آن، فکر و نظری که پیرو واقعیت باشد (راجع به گذشتگان)، به وسیله ذهن باستان شناس پیدا می‌شود. هدف نقد و هدف باستان شناسی درهم تنیده شده است.

نکته: نقد زمانی به تعریف خود می‌رسد که بنیان‌های نظری و پایه‌های ایدئولوژی و مبانی نظری هر اثر، مورد ارزیابی قرار گیرد.